



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم سید فقیه یزدی در عروءه در بحث شرائط آب وضو مسئله ۵ کلامی دارد که به بحث ما مربوط می شود ، مسئله این است : (مسألة ۵) : إذا التفت إلى الغصبيّة في أثناء الوضوء صحّ ما مضى من أجزاءه و يجب تحصيل المباح للباقي ، و إذا التفت بعد الغسلات قبل المسح هل يجوز المسح بما بقي من الرطوبة في يده و يصحّ الوضوء أو لا؟ قولان : أقواهما الأوّل لأنّ هذه النداءة لا تعدّ مالاً و ليس ممّا يمكن ردّه إلى مالكة ، و لكن الأحوط الثاني .

مال آن چیزی است که مورد رغبت مردم می باشد و با رغبات ارتباط دارد اما بعضی از چیزها هستند مالیت ندارند و مورد رغبت مردم نیستند منتهی ملکیت دارند مثلاً فرض کنید شخصی رفته لیوانی بخرد و بعد هنگام نگاه کردن به آن از دستش افتاده و شکسته صاحب مغازه غرامت آن را می گیرد منتهی لیوان شکسته بقایایی دارد که در ملک صاحب مغازه باقی می ماند یعنی پولی که می گیرد به عنوان غرامت در مقابل مالیت و ارزش آن لیوان است ولی ملکیتش برای صاحب

مغازه باقی می باشد ، مثال دیگر اینکه مثلاً فرض کنید شخصی مقداری خربزه فاسد و غیر قابل استفاده دارد در اینصورت شهرداری می تواند به او بگوید برای جلوگیری از آلودگی شهر باید آنها را از شهر خارج کنی ، خوب در اینصورت درست است که خربزه ها مالیت ندارند ولی چونکه تحت ملکیت صاحبش باقی هستند باید آنها را از شهر خارج کند بنابراین مالیت با ملکیت فرق دارد .

خوب و اما محشین در اینجا بر کلام صاحب عروءه حاشیه دارند ، حضرت امام(ره) در حاشیه عروءه فرموده : « لكن لا لما علّله لبقائه على ملكيته و الاختصاص به خصوصاً إذا لم يكن مضموناً على المتلف لأجل عدم مالّيته بل لكونه مقتضى القواعد و عدم الإجماع فيه » ، امام(ره) میفرماید وضوء صحیح است منتهی نه به علتی که صاحب عروءه بیان کرده البته خود ایشان هم علت صحت وضوء را بیان نکرده اند .

آیت الله العظمی بروجردی در حاشیه عروءه فرموده : « بل الأقوى هو الثاني (بطلان وضوء) ؛ لأنّها و إن لم تكن مالاً و لا ممكنة الردّ لكنّها بعد باقية على ملك مالکها و لا يجوز التصرف فيها بغير إذنه ، و كذا الفرع الثاني » .

که فرمودند از باب غرامت می باشد و حضرت امام (ره) نیز در ص ۶۴۷ از جلد اول کتاب بیعشان می فرمایند: « و أمّا احتمال المعاوضة المالكیة أو القهریة العقلاییة أو القهریة التعبدیة الشرعیة فضعیفٌ جداً »، یعنی ایشان باب غرامت را یک باب مجزای از باب معاوضه می داند و محقق نائینی نیز در منیة الطالب همین را می گوید ولی آیت الله خوئی قائل است که تمام اینها از باب معاوضه می باشد بنابراین مسئله مبتنی بر این است که جبران خسارت از باب غرامت است یا از باب معاوضه .

صاحب عروة یک فرع دیگری را در ادامه مسئله ۵ بیان میکند که مطالعه کنید تا این شاء الله فردا آن را بخوانیم و مورد بررسی قرار بدهیم... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد وآله الظاهرین

آیت الله العظمی گلپایگانی نیز در حاشیه عروة می فرماید: « بل الثانی (بطلان وضوء) لا یخلو عن وجه » و شاید وجه بطلان همان باشد که آقای بروجردی فرمودند .

کاشف الغطاء نیز در حاشیه عروة می فرماید: « یشکل بأن عدم المالیة لا ینفی المالكیة ، و عدم إمكان الردّ لا یجوز التصرف بدون إذن المالك أو مع نهیه » .

خوب و اما بنده نیز سابقاً در حاشیه عروة نوشته ام: « وما قواه هو الأقوی لكن ما علله ضعيفٌ جداً لأن عدم كونها مالاً ولا ممكنة الرد لا یوجب الخروج عن ملك مالکها بل الذی یتنی إليه المسئلة هوان الضمان بسبب التلف أو ما بحكمه هل یكون من قبیل المعاوضة علی حسب المرتکزات العرفیة أو أنه من قبیل الغرامة لتدارک الخسارة و لیس فیہ شائبة المعاوضة أصلاً والأظهر هو الأول كما علیه المصنف نفسه فی حاشیة علی المكاسب و منه یظهر حکم الفرع الذی بعده » .

عمده بحث در اینجا در آن است که آیا غرامت و بولی که پرداخت می شود از باب غرامت است یا معاوضه؟ که عده ای مثل صاحب جواهر و مجمع البرهان فرمودند معاوضه است خلافاً لشیخ انصاری و جامع المقاصد و شهید ثانی در مسالک